

حضرت ولی امرالله می فرماید: راحت عموم بشر در زندگی و حیات ساده است نه تکاثر اموال و آرایش و زینت و زیور

(پیام بهائی ش ۲۷۳-۲۷۴ ص ۴)

رعایت سادگی در زندگی و عدم تأسی به رسومات مضره

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع از آثار مرکز میثاق حضرت عبدالبها

۲- دعای دسته جمعی

۳- منتخباتی از نصوص مبارکه جمال اقدس ابهی

۴- از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵- از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

۶- پیام حضرت امه البها روحیه خانم خطاب به جوانان بهائی ایران

۷- امر بهائی، دیانت اعتدال است.

۸- در این ظهور از ورود بدعتها از برکت وجود آثار صریحهء جلوگیری شده است شور و مشورت (لطفاً قبل از شروع مذاکرات برنامه شماره ۸ از آثار حضرت ولی محبوب امرالله زیارت گردد.)

موضوع شور: با توجه به لزوم رعایت اعتدال و سادگی در زندگی که در آثار مبارکه تأکید گردیده، چگونه می توانیم در برگزاری مراسم مختلفه (مراسم ازدواج، مراسم تشییع، جلسات تذکرو...) آن را رعایت کرده و از تبعیت رسوم متداوله که مخالف شئون اعتدال و سادگی است اجتناب ورزیم.

قسمت اجتماعی

۹- برنامه عزیزان نونهال

۱۰- الفت و پذیرایی

۱۱- مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

ای یزدان پاک این یاران به محبتت گریبان چاک کردند و از پرتو هدایت رخ، روشن و تابناک نمودند از عالم خاک گذشتند و دل به جهان افلاک بستند خاکسار درگاه تواند و عاکفان بارگاه تو. جز تو نخواهند و بغیر از تو نجویند و جز راز تو نگویند ظهیر شو مجیر شو و آزادی به هر اسیر بخش و از سلاسل و زنجیر نفس و هوی نجات ده و

بر بندگی و شرمندگی و آزادگی و سادگی موفق نما و از کودکی و آلودگی و خستگی و ماندگی رهائی ده توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده در جهان غیب و عیان ...

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم ص ۱۸۱)

۳- منتخباتی از نصوص مبارکه جمال اقدس ابهی

حضرت بهاءالله میفرماید :

خُذُوا الْإِعْتِدَالَ هَذَا مَا أَمَرَكُم بِهِ الْغَنِيُّ الْمُتَعَالُ .

و نیز می فرماید:

هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود مثلاً حریت و تمدن و امثال آن مع آنکه به قبول اهل معرفت فائز است اگر از حد اعتدال تجاوز نماید سبب و علت ضرر گردد .

و در کلمات فردوسیة مسطور است:

کلمة الله در ورق نهم از فردوس اعلی، برآستی میگویم هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد.

و همچنین می فرماید:

در کل احوال به حد اعتدال حرکت نمائید.

(گلزار تعالیم بهائی ص ۵۱)

۴- از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

-هر چیزی برای رفع احتیاج است:

اسراف همیشه انسان را ملول و سرگردان نماید. من اگر می بینید بعضی تعارفات و مخارجات می نمایم جمیع محض اداءوظایف دینیّه و ملاحظات امرالله است. بعد نتایج آنها معلوم خواهد شد. در ایام بغداد و ادرنه من کلاه و لباس چند ساله ای که تار و پودش از هم گسسته بود داشتم و ابداً راضی به قرض نمی شدم. حال هم اگر نظر به بعض امور و ملاحظات نبود محقرتر و ارزان تر محلی از محلات این شهر می گرفتم. هر چیزی برای رفع احتیاج است حتی خوراک ولی زیاده از احتیاج سبب افسردگی و کسالت و منتهی به مرض و علّت گردد. چه قدر انسان باید پست باشد که به این شئون قناعت نماید و خود را به این زوائد آلوده و مشغول سازد. فضیلت انسان به کمالات الهی و معرفت اوست و غلبه جنبه روحانی بر جنبه حیوانی.

انتهی

(بدایع الاثار ج ۲ ص ۳۲۴)

-هر گفتار و کردار مفید چون از اعتدال و موقع تجاوز کند قبیح و مضر گردد:

در عالم امکان حیات و نجات هر شیء از اعتدال و حرکت به موقع است و ممانعت و هلاکش تجاوز از حدّ اعتدال و عمل به غیر موقع. هر امر ممدوح و گفتار و کردار مفیدی چون از اعتدال و موقع تجاوز کند قبیح و مُضر گردد حضرت بهالله می فرماید هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد

(بدایع الاثار ج ۲ ص ۳۳۸)

-ممکن نیست انسان تهیه و تدارک کامل ببیند:

از بس مردم اسیر زوائد مدنیّت شده اند ممکن نیست انسان تدارک و تهیه کامل ببیند. هرچه می کوشد باز می بیند ناقص است و اسباب تازه ای پیدا شده مردم خیلی خود را در زحمت انداخته اند.

(پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۹)

۵- از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

...فضل الانسان في الخدمة و الكمال لا في الزينة و الثروة و المال پس امتیاز احباً و اماءرحمن به عبودیت درگه یزدان است نه زینت و ثروتی که احداث حزن و حسرت در دل‌های فقراء نماید بلکه راحت عموم بشر در زندگی و حیات ساده است نه تکاثر اموال و آرایش و زینت و زیور . اگر در مردمان دنیا و رؤسا اوضاع زندگی ساده بود و مختصر بی گمان آشوب و شر آنان نیز خفیف میشد و کمتر لذا احبای الهی در جمیع امور ان شاءالله سبب تذکر و تقدّم دیگران گردند نه آنکه تأسی به رسومات مضرّه و حالات سقیمه سائرین کنند و در کل شئون سادگی و اعتدال را منظور دارند . این نمی از یم مواعظ مُشفقانه آن طلعت یگانه بود که به امر مبارکش مرقوم نمود...

(پیام بهائی ش ۲۷۳-۲۷۴ ص ۴)

و در همین مورد چنین فرموده اند: بی گمان یکی از نتایج مهمّه شرائع الهیه اینست که انسان در آنچه دست قدرت و نظم الهی به او عنایت فرموده راضی باشد و آن را به موقع و اعتدال بکار برد و در آن خوش ماند و یقین نماید که هرگاه از آن مقام مقدّر تجاوز خواهد رو به عدم اعتماد و توکل نهد به جای سرور کدورت یابد و بعکس اطمینان و سکون، اضطرار و فتور بیند..

(پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۹)

و نیز می فرمایند:

وقتی عالم انسانی رو بترقی شایسته نهد که رؤسای دنیا در نهایت سادگی زندگی نمایند چندان که آن طرز زندگی برای عموم رعایا نیز سهل الحصول شود و فقرا را مسرور نماید نه ملول زیرا زندگی ساده و ترک تکبر و آرایش هر صعوبتی را سهولت بخشد و ظلم و اعتساف را به عدل و انصاف مبدّل کند و عالم را از احتیاجات شدید برهاند. پس سزاوار آن است که احبای حق فعلاً سرمشق دیگران شوند و جدّاً بر تعدیل اوضاع زندگی برخیزند.

(گلزار تعالیم بهائی ص ۲۳۹)

۶- پیام حضرت امه‌الیه‌ا روحیه خانم خطاب به جوانان بهائی ایران

...دانسته ام که چه بسیار مواقع احبای الهی مراسم ازدواج برپا می دارند و جوانان عزیز زیر بار مصارف عظیمه ای رفته به تظاهر و تجمل بی اندازه می پردازند. گمان می کنم در چنین مواقع است که جوانان غیور فرصتی می یابند که سرمشق حقیقی برای احبای الهی و کلیه ابناء وطن خود گردند. ملاحظه فرمائید که چقدر مورث شرف و سرور است اگر دیده شود که جوانان با اصرار تمام از اولیای خود بخواهند که مراسم ازدواج با سادگی تمام برگزار شود... آیا این عمل بیشتر مورد رضا و قبول حق جل جلاله است و یا آنکه به تجمل و تظاهر پرداخته پذیرائی های عظیمه نمایند؟ طرق و فیره دیگری نیز موجود است که جوانان عزیز می توانند از مصارف عظیمه غیر لازمه در کمال بزرگی و بزرگواری صرفنظر فرموده و در راه برآوردن آرزوهای دائمی مولای حنون خود تمرکز داده به مصرف رسانند. این آرزوی قلبی من است که جوانان عزیز ایران به اعلی ذروه خدمت واصل و در کلیه میادین سرمشق عظیمی برای جمیع احبای جهان گردند.

(آهنگ بدیع ش ۳ سال ۱۷ ص ۵۹)

۸- در این ظهور از ورود بدعتها از برکت وجود آثار صریحهء جلوگیری شده است

حضرت ولی امرالله می فرمایند: باید دانست اینکه از امتیاز مخصوص امر بهائی سخن می گوئیم دلیلش فقط آن نیست که این ظهوری که مبتنی بر تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء است از کمال صحت و اعتبار برخوردار است بلکه امتیازش در این نیز هست که بر خلاف ظهورات گذشته که بدون هیچ مجوزی از طرف شارع، رسوم و حدودی در آنها داخل و وارد گشته ، در این ظهور از ورود امثال آن بدعتها از برکت وجود آثار صریحهء نازله از قلم حضرت بهاءالله جلوگیری شده است

(نظم جهانی بهائی ص ۳۱)

۷- امر بهائی، دیانت اعتدال است.

(قسمتهایی از سخنرانی جناب علی نخجویی در اجتماع احبای ارض اقدس)

حضرت بهالله می فرمایند: "اتقواالله و لاتسرفوا فی شیء و لاتکونن من المسرفین" که معنی تقریبی آن به فارسی اینست: از خدا بترسید و مراقبت نمائید که از حد اعتدال خارج نشوید و در شمار آنان که اسراف می کنند در نیائید.

کلمه اسراف که در بیان حضرت بهالله به کار رفته است به معنی ولخرجی یا خرج برون از حد میانه و هزینه بیش از نیاز است. این سمت افراط یا زیاده روی قضیه است. نقطه مقابل خساست و فرومایگی است که البته این نیز مطلوب نیست. باید حد وسط این دو نقطه را گرفت. امه البهائ روحیه خانم می گفتند که حضرت ولی امرالله به ایشان فرموده اند که امر بهائی دیانت اعتدال است. حد وسط این دو نقطه افراط و تفریط، صرفه جوئی است.

به طور مثال، هنگامی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۱ در پاریس تشریف داشتند آپارتمانی بسیار قشنگ در یکی از محله های بسیار ثروتمند پاریس اجاره فرمودند. حضرت عبدالبهاء متوجه شدند که همراهان آن حضرت از این اقدام ایشان کمی احساس ناراحتی می کنند. بنابراین مجبور شدند که توضیحی در این باره بدهند. باید به خاطر بیاورید که در آن زمان پاریس محل تجمع بلندپایگان و بزرگان دنیا، بویژه از کشورهای شرق و بخصوص از ایران بود که بطور دائم در آن شهر در رفت و آمد بودند. بخاطر عزت و سربلندی امر، حضرت عبدالبهاء در نظر گرفتند که آپارتمانی شایسته اجاره نمایند و دلیل چنین انتخابی را برای همراهان خود چنین بیان فرمودند: من اگر می بینید بعضی تعارفات و مخارجات می نمایم جمیع محض اداء وظایف دینیّه و ملاحظات امرالله است... در ایام بغداد و ادرنه من کلاه و لباس چند ساله ای که تار و پودش از هم گسسته بود داشتم و ابداً راضی به قرض نمی شدم. حال هم اگر نظر به بعض امور و ملاحظات نبود محقرتر و ارزان تر محلی از محلات این شهر می گرفتم... حال شما در ارض اقدس نیز وقتی به مقام اعلی یا به این حدائق نگاه می کنید همین خط مشی را عیناً ملاحظه می فرمائید... این باغ ها مقدس ترین بقاع عالم را در خود جای داده است و چنانکه حضرت ولی عزیز امرالله فرموده اند در اینجا قلب روحانی کره ارض قرار دارد. بنابراین این ساختمانها برای بلندی مقام و سرفرازی امر است و نه نشانه نوع زندگی در مرکز جهانی ...

همینطور است در مورد حضرت ولی امرالله وقتی به دارالآثار میروید به لباسهای مبارک نگاه کنید. ببینید که تا چه حد لباسهایشان ساده و کهنه بود. با همه اینها هنگامی که احباً برای زیارت میآمدند حضرتشان همان لباسها را در بر داشتند و احباً ایشان را با همان لباس می دیدند. این مسئله اهمیت نداشت زیرا حضرت ولی امرالله در برابر عموم مردم نبودند آنچه که احباً را تحت تأثیر قرار می داد شخصیت، بلندی مقام، روحانیت و

قدرت آن حضرت بود نه لباسهایشان. هیکل مبارک در زندگی خصوصی و در خوراک نهایت صرفه جوئی را می فرمودند... من در دوره ای از ولایت حضرت ولی امرالله در ارض اقدس زندگی می کردم و از نزدیک شاهد آنچه می گذشت بودم. در آنموقع تنها یک آشپز خانه وجود داشت... این آشپزخانه... برای همه) از جمله برای مستخدمین و باغبانها و زائرین که میهمان مرکز جهانی بودند و غیره غذا می پخت. این غذا برای همه و از جمله حضرت شوقی افندی یکسان و فقط شامل یک نوع خوراک بود...

ما خیلی به آسانی و تقریباً بدون توجه به سوی بی قیدی گرایش پیدا می کنیم. متأسفانه این طبیعت آدمی است. در هنگام دیگر این بی توجهی ممکن است به این دلیل باشد که مثلاً می بینیم یکی از کارکنان در اینجا کاری می کند که از جنبه حفظ تقدس صندوق امر صحیح نیست. بعد به یک فرد دیگر برخورد می کنیم که او هم همین عمل نادرست را انجام می دهد. معمولاً فکر می کنیم که چون ما دو نفر را دیدیم می توانیم آن را عموماً دهیم و بگوئیم که خیلی ها هستند که چنین می کنند و بزودی گرفتار این توهم می شویم که این کار همگان است... حضرت بهالله می فرمایند که میزان ایمان هر فردی در دست خود اوست و نه در تحت تأثیر ایمان دیگران. به همین ترتیب می توانیم بگوئیم که اعمال خوب و بد دیگران نباید تأثیری در رفتار ما داشته باشد. من در برابر خدا مسئولم من مسئول کارهایی که دیگران می کنند یا نمی کنند نیستم. من مسئول رفتار خودم می باشم. من باید به خدا پاسخ دهم. بنابر این آنچه که دیگران می کنند، خوب یا بد، واقعاً مربوط به من نیست. من باید برای آنها دعا کنم - نباید از آنها تقلید نمایم.

یک طرز فکر دیگری وجود دارد که در فارسی به آن چشم هم چشمی می گوئیم. چشم هم چشمی اینست که شخص می گوید او این کار را می کند، چرا من نکنم؟ من کمتر از او نیستم یا آن خانم چنین می کند، من هم می خواهم بکنم. این یک نوع رقابت یا حسادت است که بسیار زیان بخش است و منجر به حرص می گردد که حضرت بهالله آن را نکوهش کرده اند. من در اینجا عین کلمات حضرت بهالله را برای شما می خوانم و مطمئنم که شما با آن آشنا هستید می فرمایند: "حرص را باید گذاشت و به قناعت قانع شد" تکرار می کنم "حرص را باید گذاشت و به قناعت قانع شد زیرا که لازال حریص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول."

(پیام بهائی ش ۲۶۹ ص ۱۴)